

تفاوت حسادت‌شناختی، عاطفی و رفتاری و سبک‌های عاطفی در زنان بی‌وفا، خیانت‌دیده و فاقد تجربه‌ی خیانت

سمیرا برج خانلو^۱، آزاده فرقانی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۲۶ صص ۱۶-۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۰۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی حسادت‌شناختی، عاطفی و رفتاری و سبک‌های عاطفی (پنهان‌کاری، سازگاری و تحمل) در زنان بی‌وفا، خیانت‌دیده و فاقد تجربه‌ی خیانت (عادی) صورت گرفته است. این پژوهش که از نوع پس‌رویدادی است، در دو جامعه‌ی زنان بی‌وفا و خیانت‌دیده مراجعه‌کننده به سازمان بهزیستی و مراکز مشاوره وابسته و جامعه‌ی زنان عادی مراجعه‌کننده به خانه‌ی سلامت شهر ساوه، انجام شده است. انتخاب افراد از جامعه‌ی اول به صورت در دسترس (۳۰ بی‌وفا، ۳۰ خیانت‌دیده) و از جامعه‌ی دوم به صورت تصادفی ساده (۳۰ عادی) صورت گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسش‌نامه‌های سنجش حسادت ولی‌زاده و آذربایجانی (1389) و سبک‌های عاطفی هافمن و کاشدان (2010) بوده‌اند. نتایج تحلیل داده‌ها با تحلیل واریانس چند متغیره حاکی از بالاتر بودن حسادت‌شناختی، عاطفی و رفتاری در زنان عادی در مقایسه با بی‌وفا و خیانت‌دیده و همچنین بالاتر بودن سبک عاطفی پنهان‌کاری در زنان بی‌وفا در مقایسه با خیانت‌دیده و عادی بوده است.

واژه‌های کلیدی: حسادت، سبک‌های عاطفی، زنان بی‌وفا، خیانت‌دیده، فاقد تجربه‌ی خیانت (عادی).

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، گروه روانشناسی، ساوه، ایران.

۲- استادیار گروه روانشناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

* نویسنده مسئول : edalataz@gmail.com

پیشگفتار

روابط فرازناشویی به عنوان یک تهدید روانی، جسمانی و اجتماعی، می‌تواند خانواده را در معرض فروپاشی قرار دهد. البته همه‌ی روابط فرازناشویی نیز آشکار نمی‌شوند و یا لزوماً به طلاق منجر نمی‌شود. براساس نظریه‌ی روابط فردی، هر شخصی میراث روانی منحصر به فرد خود را وارد روابط زناشویی و تبادلات خود با همسرش می‌کند (Torabion, Ameri & Khodabakhsh, 2012). بررسی این ویژگی‌ها هم در فردی که مورد بی‌وفایی قرار می‌گیرد و هم فردی که خیانت می‌کند، در مقایسه با افرادی که تجربه‌ی روابط فرازناشویی را ندارند، اهمیت دارد.

بر این اساس در پژوهش حاضر بر روی دو ویژگی حسادت^۱ و سبک‌های عاطفی^۲ در زنانی که به صورت مجازی یا واقعی وارد رابطه با فرد دیگری شده‌اند، زنانی که مورد خیانت همسرشان قرار گرفته‌اند و در نهایت، زنانی که هیچ‌یک از تجربه‌های مذکور را ندارند، تمرکز شده است. حسادت در ادبیات روان‌شناسی دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است. از نظر شناختی، فرد به واسطه‌ی اسناد منفی، ارزیابی منفی و باورهای مبنی بر منفی بودن موقعیت‌های بین‌فردی و تأثیرگذاری این موقعیت‌ها بر بهزیستی فردی و اجتماعی‌اش، احساس تهدید می‌کند. از بعد عاطفی، هیجان‌هایی مانند غم، خشم، ترس، اضطراب و حقارت و در حیطه‌ی رفتاری، رفتارهای مبتنی بر کنترل‌کنندگی در افراد دارای حسادت دیده می‌شود (Cano & O'leary, 1997). در روابط زناشویی، فرد دارای حسادت شناختی، برای مدیریت تفکرات تردیدآمیز خود در ارتباط با علاقه‌ی همسرش به او (Kennedy-Lightsey, 2018) تلاش دارد تا به طور مستقیم یا غیرمستقیم، همسر را تحت نظارت قرار دهد. ابعاد عاطفی و رفتاری حسادت نیز می‌تواند در مراحل بعد، نمود پیدا کند (shfíee & Etemadi, 2018).

در خصوص پژوهش‌های مرتبط با حسادت و روابط فرازناشویی و زناشویی، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. براساس دیدگاه اول، برخی از پژوهشگران مانند لیما و همکاران (Lima, koler, Stubbs, Soares, Vieta, 2017) (Quevedo, Hyphantis, koyanagi, Marazzitti, & Carvalho), آرنوکی، پیرسون و وایلانکورت (Arnocky, Pearson & Vaillan Court, 2015)، دیجسکتر، باردلز، هاینک و گروتف (Dijkstra, Barelds, Hinke & Groothof, 2013) و اشتیگلیتز، گروان، کاپلان و وینکینگ (Winking, 2012) (Stieglitz, Gurvan, Kaplan & Winking), حسادت در زنان را نتیجه و معلول بی‌وفایی زناشویی از سوی همسر گزارش کرده‌اند. براساس دیدگاه دوم، برخی از پژوهشگران مانند کمر، بولگن و ییلدیز (Kemer Bulgan & Yildiz, 2015)، دندوراند و لافونتین (Dandurand &

1- Jealousy

2 - Affective

(Lafontaine, 2014)، بارلدز و دیجکسترا (Barelds & Dijkstra, 2007) و شفيعی و اعتمادی (Shafiee & Etemadi, 2018) در پژوهش‌های خود حسادت در زنان را به عنوان یکی از دلایل بی‌وفایی زناشویی همسر در نظر گرفته‌اند. از طرفی در دیدگاه سوم که به نظر می‌رسد فرهنگ در آن نقش مهمی دارد، پژوهشگرانی مانند باس (Buss, 2018)، استروگیانیس و همکاران (Stravogiannis, Kim, Sophia, Sanches, Zilberman & Tavares, 2018)، کندی - لایتسی (Kennedy-lightsey, 2018)، عطاری، باربارو، شاکلفورد و چگینی (Atari, Barbaro, Chegeni, 2017)، شاکلفورد و چگینی (Shackelford & Chegeni, 2017)، خدابخش پیرکلانی و دهشیری (Zandbergen & Brown, 2017)، زاندبرگن و براون (Zandbergen & Brown, 2017)، پیتلاک، زرگا و هاسر (Pytlak, Zerega & Houser, 2015)، بندیکسن، کنیروباس (Benedixen, Kennair & Buss, 2015)، گوئرو (Guerrero, 2014) و میلر، نانر، بین و دی (Miller, Nunes, Bean & Day, 2014) در پژوهش‌های خود به تأثیر مثبت رفتارها، افکار و عواطف حسادت‌آمیز برای حفظ رابطه و تعهد زناشویی، اشاره کردند.

با وجود آن‌که زنان دارای حسادت در روابط زناشویی خود، از ویژگی‌های منفی مانند محدود کردن استقلال شریک عاطفی خود، ترس از تنها ماندن، باورهای انحصارگرایانه، رفتارهای مبتنی بر عشق افلاطونی و تفکرات مزاحم مبنی بر بی‌وفایی همه‌ی مردان، برخوردار هستند (Ecker, 2012; Guerrero, 2014; Boyce, Zeledon, Tellez & Barrington, 2016) اما این افراد لزوماً رابطه‌ی زناشویی را ترک نمی‌کنند و حتی گاهی با رفتارهای خود، احساس مهم بودن و در مرکز توجه بودن را در شوهر خود ایجاد می‌کنند (Wegner, Roy, Gorman & Ferguson, 2018). همسران این افراد، دائماً در حال اطمینان دادن به آن‌ها برای ادامه‌ی رابطه هستند (Ecker, 2012). شدت حسادت در زنان بیشتر از مردان است (Buss, 2018) و زنان دارای حسادت در مقایسه با مردان، ارزیابی منفی‌تری از ادراک قدرتمندی خود دارند (Cano & O'leary, 1997). فرهنگ و قوانین آن، نقش مهمی در شکل‌گیری و حتی تقویت حسادت دارد و گاهی اوقات افراد را این‌گونه جامعه‌پذیر می‌کند. در این شرایط، تا زمانی که حسادت با عملکرد موفقیت‌آمیز فرد در زندگی‌اش تداخل نداشته باشد، به عنوان یک مشکل مطرح نمی‌شود (Cano & O'leary, 1997).

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، براساس دیدگاه سوم در خصوص تأثیر مثبت حسادت بر تعهد و روابط زناشویی که به رویکرد روان‌شناسی تکاملی در حوزه‌ی روابط زناشویی، نزدیک است، حسادت به عنوان یک مکانیزم محافظت‌کننده برای دستیابی به پیامدهای مثبت و سرمایه‌گذاری در روابط زناشویی در نظر گرفته می‌شود (Zandbergen & Brown, 2015). عطاری، باربارو، شاکلفورد و چگینی (Atari, Barbaro, Shackelford & Chegeni, 2017) در اعتباریابی پرسش‌نامه، عوامل نگهدارنده‌ی رابطه‌ی زناشویی در جامعه‌ی ایران، اظهار داشتند که «حسادت زنانه»

برخلاف بسیاری از فرهنگ‌ها، در مقابل «غیرتی بودن مردانه» یک عامل نگهدارنده‌ی رابطه‌ی زناشویی محسوب می‌شود. زنان از حسادت به عنوان عاملی برای نگهداری و حفظ رابطه‌ی زناشویی خود و مردان از حسادت برای حفظ عزت نفس خود استفاده می‌کنند (Shafiee & Etemadi, 2018).

از طرفی توانایی تنظیم و سازگاری با هیجان‌ها و متناسب با الزامات موقعیت‌های خاص، یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های انسان‌ها است و در زوجین نیز، تنظیم هیجانی مثبت و سازگارانه بر کیفیت زناشویی آن‌ها تأثیر مثبتی دارد (Smith & Williams, 2015). هافمن و کاشدان (Hofmann & Kashdan, 2010) اصطلاح سبک‌های عاطفی را به عنوان روش‌های تنظیم هیجانی تعریف کرده‌اند که براساس پنهان‌کاری (بازداری و مخفی کردن یا اجتناب از هیجان‌ها) تحمل (واکنش غیردفاعی به تجربه‌های هیجانی و تحمل‌پریشانی) و سازگاری (تعدیل هیجانی) مشخص می‌شوند. سبک عاطفی فرد، می‌تواند چگونگی تجربه‌ی عواطف مثبت و منفی را تعیین کند (Ito & Hofmann, 2014). در سبک عاطفی سازگاری، در مقایسه با سبک عاطفی پنهان‌کاری، سطح خشم به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد و مقاومت فرد در مقابل موقعیت‌های ناامیدکننده، بیشتر می‌شود (Szasa, Szentagotia & Hofmann, 2012). در سبک عاطفی تحمل نیز در مقایسه با سبک پنهان‌کاری، تجارب منفی مربوط به گذشته نشخوار نمی‌شود و افراد از مواجه شدن با حالت‌های هیجانی منفی که در زمان حال رخ می‌دهد، اجتناب نمی‌کنند (Jeffries, Mcleish, Kreamer, Avallone & Fleming, 2016). براساس پژوهش‌های انجام شده، سبک عاطفی پنهان‌کاری به علت بروز تعارض مداوم با کیفیت رابطه‌ی زناشویی پائین‌تر و سبک عاطفی سازگاری و تحمل، به دلیل وجود بحث متقابل، مذاکره، حمایت، خودافشایی و پذیرش مسئولیت، با کیفیت رابطه‌ی زناشویی بالاتری همراه است (Feeney & Karantzas, 2017). شینکمن و ورنک (Scheinkman & Wernek, 2010) دریافته‌اند که اجتنابی بودن در ابراز هیجان‌های مثبت و منفی در زنان در مقایسه با مردان، تأثیر بیشتری بر عدم رضایت زناشویی دارد. سبک عاطفی مناسب در زنان با گرم بودن، خوش‌مشرب بودن، مهربانی، همکاری، ایجاد اعتماد در روابط زناشویی و کاهش دلزدگی زناشویی همراه است (Kiani, Asadishishegaran, Ghazi valouei & Zavar, 2016; Smith, Baron & Grove, 2014; Buck, Leenaars, Emmel kamp & Van Marle, 2012).

از آنجایی که سبک عاطفی فرد ارتباط مستقیمی با سبک حل مسأله‌ی او دارد (Hofmann & Kashdan, 2010)، افراد دارای سبک عاطفی پنهان‌کاری، در روابط زناشویی خود با بازداری و مخفی کردن هیجان‌های خود، نه شرایط ابراز هیجان‌های مثبت را ایجاد می‌کنند و نه امکان حل و فصل هیجان‌های منفی را فراهم می‌کنند. بنابراین با کاهش توانایی حل مسأله‌ی سازنده، آن‌ها صرفاً به دنبال مزایای کوتاه مدت تصمیمات غلط خود هستند. یکی از این تصمیمات، وارد شدن در

یک رابطه‌ی فرازناشویی می‌باشد. این در حالی است که برون‌گراتر بودن Hosseini, Zaharakar, (2015) و Davarniya, Shakarami & Mohammadi, (2015) و حل تعارض سازنده با تعهد زناشویی بالاتر، رابطه دارند (Shakarami, Zaharakar & Mohsenzadeh, 2013).

باتوجه به تحقیقات متناقض در حیطةی حسادت و روابط فرازناشویی و فقدان پژوهشی در این زمینه در ایران و در گروه‌های مورد مطالعه‌ای که در پژوهش حاضر مدنظر قرار گرفته‌اند و خصوصاً در جامعه‌ی زنان و همچنین نقش مدیریت صحیح عواطف در تعهد زناشویی، این پژوهش قصد دارد تا به مقایسه‌ی حسادت‌شناختی، عاطفی و رفتاری و سبک‌های عاطفی در زنان بی‌وفا، خیانت‌دیده و فاقد تجربه خیانت بپردازد.

فرضیه‌های پژوهش

۱. حسادت شناختی، عاطفی و رفتاری در زنان بی‌وفا، خیانت‌دیده و فاقد تجربه‌ی خیانت (عادی)، متفاوت است.
۲. سبک‌های عاطفی (سازگاری، پنهان‌کاری و تحمل) در زنان بی‌وفا، خیانت‌دیده و فاقد تجربه خیانت (عادی)، متفاوت است.

روش پژوهش و ابزار

این پژوهش در حیطةی تحقیقات پس‌رویدادی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش حاضر برای زنان بی‌وفا و خیانت‌دیده، شامل کلیه‌ی زنان بی‌وفا و خیانت‌دیده‌ی مراجعه‌کننده به سازمان بهزیستی و مراکز مشاوره وابسته در شهر ساوه می‌شود و جامعه آماری زنان فاقد تجربه‌ی خیانت (عادی) نیز دربرگیرنده‌ی زنان مراجعه‌کننده به خانه‌ی سلامت وابسته به شهرداری می‌باشند. گروه زنان بی‌وفا و خیانت‌دیده، به شیوه‌ای در دسترس و کاملاً محرمانه، با همکاری مشاوران سازمان بهزیستی، انتخاب شدند (۳۰ زن بی‌وفا و ۳۰ زن خیانت‌دیده) و گروه زنان فاقد تجربه‌ی خیانت (عادی) به صورت تصادفی ساده (۳۰ نفر) انتخاب شدند.

با توجه به حساسیت جامعه‌ی پژوهش، پژوهشگر امکان کنترل همه‌ی متغیرهای مزاحم را نداشته است. تمام افراد نمونه پژوهش در دامنه‌ی سنی ۲۰-۴۵ سال و دارای حداقل تحصیلات دیپلم هستند.

ابزارهای اندازه‌گیری در این پژوهش عبارتند از:

پرسش‌نامه‌ی حسادت‌شناختی، عاطفی و رفتاری

این پرسش‌نامه‌ی ۴۰ سؤالی توسط ولی‌زاده و آذربایجانی (Valizadeh & Azarbaijani, 2010) و بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای (از یک تا پنج) برای سنجش حسادت‌شناختی، عاطفی و رفتاری به‌عنوان یک گرایش شخصیتی در جامعه‌ی بزرگسالان زن و مرد مجرد و متأهل، طراحی و اعتباریابی شده است.

در طراحی این پرسش‌نامه منابع غربی و اسلامی با توجه به نقایص منابع غربی، مورد توجه قرار گرفته است. روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصان تأیید شد و ضریب توافق، ۰/۸۷/۶ محاسبه شد و پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ، برای شناختی (۰/۵۵) عاطفی (۰/۸۵) و رفتاری (۰/۷۵) و پایایی کل (۰/۹۱) محاسبه شد. دو نیمه کردن آزمون نیز در نیمه‌ی اول بر اساس آلفای نمره‌ی کل آزمون و همبستگی اسپیرمن براون و گاتمن، ۰/۸۳ و در نیمه‌ی دوم برابر با ۰/۸۴ محاسبه شد. دو نیمه کردن بر اساس همبستگی پیرسون، ۰/۹۸ محاسبه شد. در پژوهش حاضر نیز پایایی کل بر اساس آلفای کرونباخ، ۸۹/۴ و شناختی (۰/۸۵) عاطفی (۰/۹۰) و رفتاری (۰/۷۵) محاسبه شده است.

پرسش‌نامه‌ی سبک‌های عاطفی

این پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی توسط هافمن و کاشدان (Hofmann & Kashdan, 2010) و بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای (از یک تا پنج) برای سنجش سبک‌های عاطفی در سه بعد پنهان‌کاری، سازگاری و تحمل، طراحی و اعتباریابی شد. در ایران روایی پرسش‌نامه بر روی جامعه‌ی بزرگسالان، بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی به‌ترتیب برای پنهان‌کاری (۰/۷۰) سازگاری (۰/۷۵) و تحمل (۰/۵۰) و پایایی کل (۰/۸۱) به‌دست آمد و سؤال‌ها به ۱۶ مورد تقلیل یافت. تحلیل عامل تأییدی نیز حکایت از برازش مناسب ساختار سه عاملی آن دارد (CFI=۰/۹۰ و IFI=۰/۹۰ و $\chi^2=۴۷۷$ و RMSEA=۰/۷۹ و dF=۰/۵۵).

روایی همگرا و واگرا با پرسش‌نامه‌ی پرخاشگری حاکی از روایی همگرای پنهان‌کاری با پرخاشگری (۰/۱۱) و روایی واگرایی سازگاری و تحمل با پرخاشگری (۰/۲۷-) می‌باشد (Kareshki, 2013). در پژوهش حاضر نیز پایایی هر بعد بر اساس آلفای کرونباخ عبارتند از سازگاری (۰/۷۶)، پنهان‌کاری (۰/۷۷) و تحمل (۰/۶۰).

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل آماری در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفت. در بخش آمار توصیفی، از شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شده است.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه

فایده تجربه خیانت (عادی) (۳۰)		خیانت دیده (۳۰)		بی‌وفا (۳۰)		گروه	متغیر
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه	
۳/۳	۱۸/۴۳	۴/۷	۱۵/۳۷	۴/۷	۱۵/۸۷	شناختی	حسادت
۱۰/۱	۶۴/۳۷	۱۲/۷	۵۱/۶۰	۱۱/۳	۵۱/۶۷	عاطفی	
۷/۴	۳۶	۹/۵	۲۷/۷۷	۶/۶	۲۵/۸۳	رفتاری	
۱۷	۱۱۸/۸۰	۲۲/۷	۹۴/۷۳	۱۹	۹۳/۳۷	کل	
۴/۵	۱۹/۳۰	۵/۷	۲۰/۱۷	۵/۲	۱۹/۷۷	سازگاری	سبک‌های عاطفی
۳/۵	۱۷/۵۷	۴/۳	۱۹/۷۰	۴/۷	۲۲/۶۳	پنهان‌کاری	
۲/۳	۸/۶	۲/۵	۸/۹	۲/۷	۸/۴۰	تحمل	

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین حسادت شناختی، عاطفی و رفتاری در زنان فاقد تجربه خیانت (عادی) بالاتر از دو گروه دیگر برآورد شده است. در متغیر سبک‌های عاطفی، سبک پنهان‌کاری در زنان بی‌وفا بالاتر از دو گروه دیگر و در سبک تحمل و سازگاری، تفاوت قابل توجهی بین گروه‌ها مشاهده نمی‌شود.

تحلیل فرضیه‌های پژوهش

در این بخش، پس از بررسی مفروضه‌های تحلیل واریانس چند متغیره برای هر فرضیه (MBOX و آزمون لوین)، فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج آن در جدول ۳ و ۲ آورده شده است.

جدول ۲- تحلیل واریانس بین آزمودنی جهت مقایسه‌ی حسادت شناختی، عاطفی و رفتاری و سبک‌های عاطفی در گروه‌ها

۸ تفاوت حسادت‌شناختی، عاطفی و رفتاری و سبک‌های عاطفی در زنان بی‌وفا، خیانت‌دیده و فاقد تجربه‌ی خیانت

منبع تغییر	متغیر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معناداری	حجم اثر
	شناختی	۱۶۲/۴	۲	۸۱/۲	۴/۶	۰/۰۱۲	۰/۰۹۶
گروه	عاطفی	۳۲۴۲/۸	۲	۱۶۲۱/۴	۱۲/۵	۰/۰۱	۰/۲۲۳
	رفتاری	۱۷۴۸/۹	۲	۸۷۴/۴	۱۴	۰/۰۱	۰/۲۴۳
	شناختی	۱۵۲۳/۸۰	۸۷	۱۷/۵			
خطا	عاطفی	۱۱۲۹۰/۸۰	۸۷	۱۲۹/۸			
	رفتاری	۵۴۴/۵	۸۷	۶۲/۵			
	شناختی	۲۶۳۵۴	۹۰				
کل	عاطفی	۲۹۵۵۴۳	۹۰				
	رفتاری	۸۷۴۷۲	۹۰				
	سازگاری	۱۱/۳	۲	۵/۶	۰/۲۱	۰/۸۱	۰/۰۰۵
گروه	پنهان‌کاری	۳۸۸/۳	۲	۱۹۴/۱	۱۱/۱	۰/۰۰۱	۰/۲۰۴
	تحمل	۳/۳	۲	۱/۶	۰/۲۶	۰/۷۷	۰/۰۰۶
	سازگاری	۳۳۰۳/۸	۸۷	۲۶/۵			
خطا	پنهان‌کاری	۱۵۱۸/۶	۸۷	۱۷/۵			
	تحمل	۵۴۵/۹	۸۷	۶/۳			
	سازگاری	۳۷۴۰۱	۹۰				
کل	پنهان‌کاری	۳۷۷۸۷	۹۰				
	تحمل	۷۲۴۰	۹۰				

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ۲۴/۳ درصد از واریانس حسادت رفتاری و ۲۲/۳ درصد از واریانس حسادت عاطفی و ۹/۶ درصد از واریانس حسادت شناختی از طریق انتساب به گروه‌ها قابل تبیین است. در متغیر سبک‌های عاطفی نیز تنها در سبک پنهان‌کاری تفاوت معناداری بین گروه‌ها وجود دارد و ۲۰/۴ درصد از تفاوت در پنهان‌کاری تحت تأثیر گروه‌ها است. برای مشخص شدن تفاوت متغیرهای معنادار شده در گروه‌ها، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه‌ی مؤلفه‌های معنادار شده در بین گروه‌ها

متغیر	اختلاف میانگین‌ها
-------	-------------------

فاقد تجربه خیانت (عادی)	بی‌وفا	گروه	
-۲/۶		بی‌وفا	
-۳/۰۷*	۰/۵	خیانت‌دیده	حسادت شناختی
—		عادی	
-۱۲/۷*		بی‌وفا	
-۱۲/۷۷*	۰/۰۷	خیانت‌دیده	حسادت عاطفی
—		عادی	
-۱۰/۳*		بی‌وفا	
-۸/۲۳*	-۱/۹	خیانت‌دیده	حسادت رفتاری
—		عادی	
۵/۰۷*		بی‌وفا	
۲/۱۳	۲/۹۳*	خیانت‌دیده	پنهان‌کاری
—		عادی	

همان‌طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، حسادت شناختی، عاطفی و رفتاری در زنان فاقد تجربه‌ی خیانت (عادی) به‌طور معناداری بیشتر از زنان بی‌وفا و خیانت‌دیده است و بین دو گروه بی‌وفا و خیانت‌دیده، تفاوت معناداری در خصوص این متغیر مشاهده نشد. پنهان‌کاری نیز در زنان بی‌وفا، به‌طور معناداری بالاتر از زنان خیانت‌دیده و فاقد تجربه‌ی خیانت (عادی) است و تفاوت زنان خیانت‌دیده و عادی معنادار نبوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

روابط فرازناشویی به عنوان مسأله‌ای تکان‌دهنده برای زوجها و خانواده‌ها و پدیده‌ای رایج برای درمان‌گران خانواده است. گاهی اوقات آشکار شدن این پدیده، با علائمی شبیه استرس پس از ضربه مانند شوک، سردرگمی، خشم و افسردگی، آسیب‌دیدن عزت نفس و کاهش اعتماد به نفس در مسائل شخصی و جنسی همراه است. این پدیده چه آشکار بشود و چه آشکار نشود، غالباً با تضعیف نقش‌های زناشویی، نقش‌های والدینی و یا مشکلات شغلی همراه است (Honarparvaran, 2014).

لذا آگاهی از عواملی که زمینه‌ساز بروز آن در مردان و زنان است و نقش زنان در این میان، ضروری است. دشوار بودن دسترسی به نمونه‌ی زنان بی‌وفا که بی‌وفایی زناشویی آن‌ها برای افرادی مانند روان‌شناسان، مشاوران و یا مددکاران اجتماعی، مسجل شده باشد و تمایل به همکاری در

پژوهش‌ها را داشته باشند، غالباً تحقیقات را بر روی این جامعه، محدود کرده است. بنابراین کم بودن پژوهش‌ها در این زمینه، به معنای عدم شیوع آن در جامعه‌ی زنان نیست.

نتایج تحلیل فرضیه‌ی اول پژوهش مبنی بر تفاوت حسادت‌شناختی، عاطفی و رفتاری در بین زنان بی‌وفا، خیانت‌دیده و فاقد تجربه‌ی خیانت، حاکی از بالاتر بودن حسادت‌شناختی، عاطفی و رفتاری در زنان فاقد خیانت (عادی) در مقایسه با دو گروه دیگر است. با وجود تحقیقات مختلف در خصوص در نظر گرفتن بی‌وفایی زناشویی به عنوان عامل برانگیزاننده‌ی حسادت (Lima & etal, 2017; Arnoky, Pearson & Vaillancourt, 2015; Dijkstra, Barelds, Hinke & Groothef, 2012; Stieglitz, Gurvan, Kaplan & Winking, 2013) و یا حسادت به عنوان علتی برای بی‌وفایی زناشویی (Dandurand & Lafontaine, 2014; Barelds & Dijkstra, 2007)، نتیجه‌ی تحقیق حاضر، همسو با پژوهش‌هایی است (Bus, 2018; Stravogiannis & etal, 2018; Wegner, Roy, Gorman &) Ferguson, 2018; Kennedy-Lightsey, 2018; Atari, Barbaro, Shackelford & Chegeni, 2017; Chegeni, Khodabakhsh Pirkalani & Dehshiri, 2017; Zandbergen & Brown, 2015; Pytlak, Zerega & Houser, 2015; Guerrero, 2014; Miller, (Nunes, Bean & Day, 2014 که نقش حسادت را در روابط زناشویی لزوماً منفی در نظر نگرفته‌اند.

نقش مثبت حسادت‌شناختی و پس از آن حسادت رفتاری و عاطفی در حفظ رابطه‌ی زناشویی (Guerrero, 2014) را می‌توان براساس دیدگاه روان‌شناسی تکاملی و قوانین فرهنگی در روابط زناشویی تبیین کرد. در فرهنگ کشورهای اروپایی حسادت یک هیجان مخرب و در فرهنگ آمریکای لاتین، آن را به عنوان شکلی از ابراز عشق در نظر می‌گیرند (Scheinkman & Wereneck, 2010). در فرهنگ ایران نیز، حسادت زنانه در زنان به عنوان عامل تقویت پیوند زوجین و غیرتی بودن که معادل شرافت در فرهنگ کشورهای آمریکای شمالی است، عامل نگهدارنده‌ی رابطه برای مردان لحاظ می‌شود (Atari, Barbaro, Shackelford & Chegeni, 2017). زنان در مقایسه با مردان، برای کنار آمدن با حسادت خود، تلاش دارند تا خودشان را برای همسرانشان جذاب‌تر کنند. این افراد با کنترل کردن همسر خود، کمتر ترک رابطه را توسط او تجربه می‌کنند و در مورد خودشان هم، به دلیل وابسته بودن، منع کنترل بیرونی و حساسیت به طرد، ترک رابطه‌ی زناشویی به هر شکلی کمتر است (Morphy & Russell, 2016; Ecker, 2012). علاوه بر آن ایجاد احساس گناه در همسر، تلاش بیشتر برای اعتمادسازی و افزایش بده و بستان‌های عاطفی در روابط زناشویی از مکانیزم‌های تأثیرگذاری حسادت بر تعهد زناشویی محسوب می‌شوند (Stravogiannis & etal, 2018).

کاربرد حسادت به عنوان یک استراتژی برای حفظ و نگهداری رابطه‌ی زناشویی با پاسخ‌های ارتباطی مختلفی همراه است (Pytlack, Zerega & Houser, 2015). در کنار پاسخ‌های ارتباطی مخرب، راهبرد تلاش‌های جبرانی و جبران کوتاهی خود در رفتارهای مثبت زناشویی، در زنان دارای

حسادت دیده می‌شود. از آن جمله می‌توان به نقش حسادت شناختی همسر در تقویت رفتارهای نگهدارنده‌ی رابطه مانند مثبت بودن، اطمینان دادن، سهیم شدن در مسئولیت‌ها، گشودگی و خودافشایی اشاره کرد. این رفتارهای نگهدارنده‌ی رابطه، علاوه بر همسر دارای حسادت در طرف مقابل نیز می‌تواند تقویت شود. پژوهش‌ها دلیل تأثیرگذاری بیشتر حسادت شناختی را بر تعهد زناشویی در مقایسه با عاطفی و رفتاری، در میان گذاشتن افکار تردیدآمیز در ارتباط با علاقه‌ی همسر در یک فضای مباحثه‌ای آرام‌تر، عنوان کرده‌اند (Kennedy-Lightsey, 2018). در حیطه‌ی روان‌شناسی اجتماعی، حسادت ریشه در نظرات مقایسه‌ی اجتماعی دارد. اگر این مقایسه، مطلوب باشد، به کسب هویت و مدیریت روابط منجر می‌شود و اگر نتیجه‌ی این مقایسه، نامطلوب باشد، منجر به تخریب هویت و عدم توانایی مدیریت روابط می‌شود. زنان دارای حسادت نیز با برخورداری از سبک دلبستگی اضطرابی، همیشه به دنبال حفظ برتری جایگاه خود در مقایسه با دیگران هستند (Guerrero, 2014; Kemer, Bulgan & Yildiz, 2015). با آن‌که یک زن می‌تواند به واسطه‌ی کنترل همسرش و بروز رفتارهای حسادت‌آمیز، رابطه‌ی زناشویی‌اش را تداوم بخشد، اما نکته‌ی مهم این است که این روابط، لزوماً روابط همراه با شادی و رضایت زناشویی بالا نیستند.

در خصوص فرضیه‌ی دوم پژوهش، مبنی بر تفاوت سبک‌های عاطفی در زنان بی‌وفا، خیانت‌دیده و فاقد تجربه‌ی خیانت (عادی)، نتایج، حاکی از بالاتر بودن سبک عاطفی پنهان‌کاری در زنان بی‌وفا در مقایسه با دو گروه دیگر است. پنهان کردن هیجان‌ها و اجتناب از آن‌ها، صرفاً مزایای کوتاه‌مدتی دارد و در درازمدت، تجربه‌ی ذهنی هیجان‌های منفی را شدت می‌دهد.

(Redlick & Vangelisti, 2018; Jeffries, Mcleish, Kramer, Avallone & Fleming, 2016). در این شرایط، ظرفیت حافظه برای بحث در مورد تعارض‌های ایجاد شده در روابط زناشویی کاهش می‌یابد و با کاهش عملکرد شناختی، خودبازبینی زوج نیز کاهش می‌یابد (Richards, Butler & Gross, 2003). سرکوبی و بازدارندگی هیجان‌های منفی با سطوح بالاتر پریشانی (Hasani & Bemani) Yazdi, 2014، کاهش ظرفیت خاطره‌ها و حافظه‌ی مثبت کلامی و افزایش حافظه و خاطرات مربوط به واکنش‌های هیجانی منفی و کاهش عملکرد مؤثر فرد در حل مسأله رابطه دارد (Wang, Wong & Lu, 2017; Richards & Gross, 2016). به نظر می‌رسد، سبک عاطفی پنهان‌کاری، مانع از آن می‌شود که افراد بتوانند به مدیریت صحیح منابع استرس‌زای درونی و بیرونی بپردازند و عملکرد منطقی در برخورد با مشکلات زناشویی خود داشته باشند. در این شرایط احتمال وارد شدن در رابطه‌ای با فرد دیگر، به جای مدیریت صحیح هیجان‌های منفی خود، افزایش می‌یابد (Duncan, Futris & Bryant, 2018). این در حالی است که همسران دارای سبک عاطفی سازگاری و تحمل راهبردهای انطباقی و مثبت‌تری برای اجتناب از عوامل آسیب‌رسان به رابطه‌ی زناشویی به‌کار می‌برند. این راهبردها که به جای تحمیل هزینه با تأمین سود در روابط

همراه هستند، می‌توانند موجب تداوم بیشتر رضایت زناشویی شوند و احساس درک شدن و مورد حمایت و ارزشمند بودن را در زوجین ایجاد کنند (Redlick & Vangelisti, 2018). نتایج این قسمت از پژوهش می‌تواند با تحقیقات فیینی و کارانتزاس (Feeney, Karantzas, 2017) هس و میکلسون (Hess & Mikkelson, 2016) و شینکمن وورنک (Scheinkman & Werneck, 2010) همسو باشد. آن‌ها در تحقیقات خود به نقش مثبت تحمل و سازگاری در کیفیت روابط زناشویی و کاهش رضایت زناشویی به دلیل اجتنابی بودن، به‌ویژه در زنان، اشاره کردند. همچنین عدم تأثیرگذاری عاطفی بر همسر و در نتیجه، سرمایه‌گذاری کمتر بر روابط زناشویی و پذیرش هیجان‌های منفی در زوجین دارای رضایت زناشویی از نتایج پژوهش‌های این افراد است. قزلسفلو، جزایری، بهرامی و محمدی (Ghezelseflou, Jazaieri, Bahrami & Mohammadi, 2016) نیز دلگرمی، اطمینان‌بخشی، خودافشایی، گشوده بودن و صداقت را به عنوان عوامل تأثیرگذار بر تعهد زناشویی در زوج‌های ایرانی گزارش داده‌اند.

هر پژوهشی با محدودیت‌هایی روبرو است. در این پژوهش نیز دشواری دسترسی به زنان بی‌وفا و خیانت‌دیده، امکان انتخاب تصادفی این افراد را غیرممکن ساخت و از طرفی مقایسه‌ی مردان بی‌وفا، خیانت‌دیده و عادی با این گروه از زنان، می‌تواند نتایج مهمی را در خصوص نقش جنسیت در روابط فرزندناشویی آشکار کند. در غالب پژوهش‌ها، نقش تفاوت‌های فرهنگی در جامعه‌پذیری جنسیتی و هیجانی در زنان و مردان، غالباً نادیده گرفته شده است. علاوه بر آن، با وجود اهمیت و پیچیدگی مقوله‌ی حسادت به طور کلی در زندگی روزمره و البته به طور خاص در حیطه‌ی مسائل زناشویی، این مفهوم از سوی پژوهش‌گران در داخل کشور مورد توجه کمی قرار گرفته است. با آن-که براساس پژوهش حاضر و نتیجه‌ی قابل تأمل آن، زنان در برخی از فرهنگ‌ها مانند ایران، گاهی از افکار، عواطف و رفتارهای حسادت‌آمیز برای حفظ تعهد زناشویی و اثبات خود استفاده می‌کنند، اما براساس رویکرد تحمیل هزینه در مقابل تأمین سود در روابط زناشویی، این راهکار در درازمدت، پیامدهای منفی را به همراه خواهد داشت. موضوع قوانین فرهنگی نیز در خصوص نحوه‌ی ابراز هیجان‌ها و عواطف، به خصوص در زنان نمود بیشتری دارد و پنهان‌کاری هیجانی (مثبت یا منفی) به عنوان یک سبک عاطفی ناسالم می‌تواند علاوه بر تأثیر منفی بر رضایت زناشویی که در غالب پژوهش‌های انجام شده صرفاً به این بعد توجه شده است، تعهد زناشویی را نیز کاهش دهد. بنابراین براساس یک نتیجه‌ی کاربردی از پژوهش حاضر می‌توان گفت؛ توجه به روش‌های واقعی و غیر کاذب در نگهداری روابط زناشویی، مستلزم تقویت آگاهی هیجانی و مهارت‌های مؤثرتر روابط زناشویی و جایگزینی آن‌ها با ویژگی‌هایی مانند حسادت در زنان است. زنانی که ممکن است از گروه‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوتی باشند، اما در سایه‌ی یادگیری‌ها و قوانین فرهنگی غلط و

همراه با سوگیری، زندگی زناشویی خود را در درازمدت به خطر می‌اندازند. جامعه‌ی در حال گذار ایران، به جهت تغییرات فراوان فرهنگی و اجتماعی در طول دهه‌های مختلف، بستر مناسبی برای پژوهش و آموزش در خصوص دانش هیجانی، نحوه‌ی به کارگیری هیجان‌ها و عواطف و پرهیز از بازی‌های ارتباطی برخاسته از حسادت و پنهان‌کاری عاطفی در روابط زناشویی است.

References

- Arnocky, S., Pearson, M., & Vaillancourt, T. (2015). Health, anticipated partner infidelity, and jealousy in men and women. *Evolutionary Psychology*, 1-10.
- Atari, M. Barbaro, N., Shackelford, T.K. & Chegeni, R. (2017). Psychometric evaluation and cultural correlates of the mate retention inventory-short form (MRI-SF) in Iran. *Evolutionary Psychology*, 1-11.
- Barelds, D. P. H., & Dijkstra, P. (2007). Relations between different types of jealousy and self and partner perceptions of relationship quality. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 14, 176-188.
- Bendixen, M., Kennaire, L.E.O., & Buss, D.M.(2015). Jealousy: Evidence of strong sex differences using both forced choice and continuous measure paradigms. *Personality and Individual Differences*, 86, 212-216.
- Boyce, S., Zeledon, P., Tellez, E., & Barrington, C. (2016). Gender-specific jealousy and infidelity norms as sources of sexual health risk and violence among young couples Nicaraguans. *Perspectives from the Social Sciences*, 106 (4), 625-632.
- Buck, N., Leenaars, E. P., Emmel Kamp, P. M., & Van Marle, H. J. (2012). Explaining the relationship between insecure attachment and partner abuse: The role of personality characteristics. *J Interpers Violence*, 27 (16), 3149-3170.
- Buss, D.M. (2018). Sexual and emotional infidelity: Evolved gender differences in jealousy proved robust and replicable. *Perspectives on Psychological Science*, 13(2), 155-160.
- Cano, A. & O'leary, K. D. (1997). Romantic Jealousy and affairs: Research and implications for couple therapy. *Journal of Sex & Marital Therapy*. 23 (4), 249-275.
- Chegeni, R., Khodabakhsh Pirkalani, R., & Dehshiri, GH. (2017). On love and darkness: the dark trait and mate retention behaviors in a non-western culture. *Personality and Individual Differences*, 122, 43-46.
- Dandurand, C., & Lafontaine, M. F. (2014). Jealousy and couple satisfaction: A romantic attachment perspective. *Marriage & Family Review*, 50, 154-173.
- Dijkstra, P., Barelds, D. P. H., & Groothof, H. A. K. (2013). Jealousy in responses to online and offline infidelity: The role of sex and sexual orientation. *Scandinavian Journal of Psychology*, 54, 328-336.
- Duncan, J.C., Futris, T.G., & Bryant, C.M. (2018). Association between depressive symptoms, perceived partner emotional expression and marital quality. *Marriage & Family Review*. 54(5), 507-520.

-
- Ecker, Willi. (2012). Non-delusional pathological jealousy as an obsessive-compulsive spectrum disorder: Cognitive-behavioral conceptualization and some treatment suggestions. *Journal of obsessive-Compulsive and Disorders*, 1, 203-210.
 - Feeney, J.a., & Karantzas, G.C. (2017). Couple conflict : Insights from an attachment perspective. *Current Opinion in psychology*, 13, 60-64.
 - Ghezelseflou, M. Jazaiere, R.S., Bahrami, F., & Mohammadi, R. (2016). Identification of factors affecting marital commitment in Iranian couples. *Counseling research*, 16(23), 1-26. [Persian]
 - Guerrero, L. K. (2014). Jealousy and relational satisfaction: Actor effects, partner effects, and the mediating role of destructive communicative responses to jealousy. *Western Journal of Communication*, 78 (5), 586-611.
 - Hasani, J., & Bemani Yazdi, B. (2015). Relationship of emotion expressing styles with distressed personality. *Journal of Islamic Azad University of Medical Sciences*, 25(2), 141-150. [Persian]
 - Hese, C., & Mikkelson, C. (2016). Affection deprivation in romantic relationships. *Communication Quarterly*, 1-19.
 - Hofmann, S. G., & Kashdan, T. B. (2010). The affective style questionnaire: Development and psychometric properties. *J Psychopathol Behav Assess*, 32, 255-263.
 - Honarparvaran, N. (2014). Effectiveness of acceptance and commitment approach in improving dyadic forgiveness and adjustment of women hurt from betrayal of spouse. *Women and Society*, 5 (2) , 136-150.
 - Hosseini, A., Zahrakar, K., Davarniya, R., Shakarami, M., & Mohammadi, B. (2015). The relationship between marital commitment with personality traits. *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*, 22 (5), 788-795. [Persian]
 - Ito, H., & Hofmann, S. G. (2014). Culture and affect: The factor structure of the affective style questionnaire and its relation with depression and anxiety among Japanese. *BMC Research Notes*, 2-9.
 - Jeffries, E. R., Mcleish, A. C., Kramer, K. M., Avallone., & Fleming, J. B. (2016). The role of distress tolerance in the use of specific emotion regulation strategies. *Behavior Modification*, 40 (3), 439-451.
 - Kareshki, H. (2013). Evaluating factorial structure of affective styles in students. *J Res Behav Sci*, 11 (3), 185-195. [Persian]
 - Kemer, G., Bulgan, G., & Yildiz, E. C. (2015). Gender differences, infidelity, dyadic trust, and jealousy among married Turkish individuals. *Curr psychol*, 1-14.
 - Kennedy-Lightsey, C.D. (2018). Cognitive jealousy and constructive communication: The role of perceived partner maintenance and uncertainty. *Communication reports*, 1-15.
 - Kiani, A.R., Asadi Shishegaran, S., Ghazi Valouei, F., & Zavar, M. (2016). The Prediction of marital disturbance based on emotional expressiveness and marital attributes in married individuals referring to Behzisti's center in the city of Ardebil. *Counseling Research*, 15(59), 58-79. [Persian]
 - Lima, A.B., Kohler, C.a., Stubbs, B., Quevedo, J., Hyphantis, T.N., Koyanagi, H.A., Marazziti, D., Soares, J.C., Vieta, E., & Carvalho, A.f. (2017). An exploratory study of the heterogeneity of the jealousy phenomenon and its association with affective

- temperaments and psychopathological dimensions in a large Brazilian sample. *Journal of Affective Disorders*, 1-24.
- Miller, R. B., Nunes, N. A., Bean, R. A., & Day, R. D. (2014). Marital problems and marital satisfaction among Brazilian couples. *The American Journal of Family Therapy*, 42, 153-166.
- Murphy, A.M. & Russell, g. (2016). Rejection sensivity, jealousy and the relationship to interpersonal aggression. *Journal of Interpersonal violence*, 1-12.
- Pytlak, M. A., Zerega, L. M., & Houser, M. L. (2015). Jealousy evocation: Understanding commitment, satisfaction, and uncertainty as predictors of Jealousy-evoking behaviors *Communication Quarterly*, 63 (3), 310-328.
- Red lick, M. H., & Vangelisti, A.L. (2018). Affection, deception, and evolution : Deceptive of affectionalte messages as mate retention. *Evolutionary psychology*, 1-11.
- Richards, J. M., & Gross, J. J. (2016). Emotion regulation and memory: The cognitive costs of keeping one's cool. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 410-424.
- Richards, J. M., Butler, E. A., & Gross, J. J. (2003). Emotion regulation in romantic relationships: The cognitive consequences of concealing feelings. *Journal of Social and Personal Relationships*, 20 (5), 599-620.
- Scheinkman, M. & Werneck, D. (2010). Disarming Jealousy in couples relations: multidimensional approach. *Family Process*. 49 (4), 486-502.
- Shafiee, Z., & Etemadi, O. (2018). Predicting desire to betrayal based on romance jealous and sensation seeking in married women, *Fundamentals of Mental Health*, 20(2), 121-130. [Persian].
- Shakarami, M., Zaharakar, K., & Mohsenzadeh, F. (2014). Mediating role of conflict resolution styles on the relation between sexual satisfaction and interpersonal cognitive distortions with marital commitment. *Research on Psychiatric Health*, 8 (2), 54-63. [Persian]
- Smith, T. W., & Williams, P. G. (2015). Self-reports and spouse ratings of neuroticism: Perspectives on emotional adjustment in couples. *Journal of Family Psychology*, 29 (2), 302-307.
- Smith, T. W., Baron, C. E., & Grove, J. L. (2014). Personality, emotional adjustment, and cardiovascular risk: Marriage as a Mechanism. *Journal of Personality*, 82 (6), 502-514.
- Stieglitz, J., Gurvan, M., Kaplan, H., & Winking, J. (2012). Infidelity, jealousy, and wife abuse among Tsimane forager-farmers: Testing evolutionary hypotheses of marital conflict. *Evolution and Human Behavior*, 33, 438-448.
- Stravogiannis, A. L.D.C., Kim, H.S., Sophia, E.C., Sanches, C., Zilberman, M.L., & Tavares, H. (2018). Pathological jealousy and pathological love: Apples or apples to oranges *psychiatry Research*, 259, 562-570.
- Szasz, P. L., Szentagotai, A., & Hofmann, S. G. (2012). Effects of emotion regulation strategies on smoking craving, attentional bias, and task persistence. *Behavior Research and Therapy*, 50, 333-340.
- Torabian, L., Ameri, F., & Khodabakhsh, R. (2012). Comparative study on personality characteristics and attachment style of unfaithful, betrayed partners and normal partners. *Psychiatric Studies*, 8(3), 9-25. [Persian]
- Valizadeh, A., & Azarbaijani, M. (2010). Primary jealousy scale, *Psychology & Religion*, 3(2), 45-60. [Persian]

-
- Wang, C., Wong, C.C., & Lu, Q.(2017). The pain of ambivalence over emotional expression. *Int J Behav med.* 1-7.
 - Wegner, R., Roy, A.R., Gorman, K.R., & Ferguson, K.L. (2018). Attachment, relationship communication style and the use of jealousy induction techniques in romantic relationships. *Personality and Individual Differences*, 129, 6-11.
 - Zand bergan, D. L., & Brown, S.G. (2015). Culture and gender differences in romantic jealousy. *Personality and Individual Differences*, 72, 122-127.
 - Hesse, C. & Mikkelson, A.C. (2016). Affection deprivation in romantic relationships. *Cummunication Quarterly*, 1-19.